

منازعه گفتمان های اسلام گرا و سکولار در جنبش انقلابی مصر (۲۰۱۳-۲۰۱۱):

بسترها و نتایج

حمداله اکوانی

علی مختاری

امران کیانی*

چکیده

بعد از گذشت ۵۰ سال از استیلای گفتمان استبدادی مبارک در مصر، مردم توانستند هژمونی گفتمان استبدادی را به چالش بکشند. با سقوط حکومت مبارک، اسلام‌گرایان اخوان المسلمین قدرت را به دست گرفتند. یک سال از حضور گفتمان اسلام‌گرای اخوان در ساحت سیاست رسمی نگذشته بود که این گفتمان به علت «ناکارآمدی در تطابق با شرایط سیاسی و اقتصادی»، «فقدان رهبری چترگونه»، «ناتوانی در حفظ نهادهای اصلی قدرت پشت گفتمان» و «کنش های عملی متعارض با مبانی گفتمان اسلام‌گرایی اخوان»، نتوانست در جریان تحولات سیاسی مصر ۲۰۱۲-۲۰۱۳ حاکمیت خود را در عرصه سیاسی مصر حفظ کند و در مواجهه با بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناکام مانده و به حاشیه رفت. مجموعه این تحولات موجب بی‌قراری گفتمان اسلام‌گرای اخوان المسلمین شده و زمینه برای بازگشت مجدد گفتمان رقیب هر چند از طریق کودتا فراهم شد. سوال اصلی مقاله حاضر این است که فرایند منازعه گفتمان های اسلام گرا و سکولار در تحولات جنبش انقلابی مصر چگونه بوده و چه عواملی باعث ظهور مجدد گفتمان سکولار شد؟ یافته‌های مقاله با استفاده از روش تحلیل گفتمان سطح کلان (لاکلا و موفه) و سطح خرد (فرکلاف) بیانگر آن است که، اخوان‌المسلمین نتوانست با مفصل‌بندی گفتمانی چترگونه و فراگیر حول دال مرکزی اسلام، گفتمان سکولار را طرد و گفتمان خود را هژمونیک ساخته و نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع تثبیت کند.

*استادیار علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

استادیار علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۲/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱/۱۵

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: e.kiani57@gmail.com

واژگان کلیدی: جنبش انقلابی مصر، اسلام‌گرایی، سکولاریسم، تحلیل گفت‌وگو

۱- مقدمه

اخوان بزرگترین گروه سیاسی اسلامی است که در مصر شکل گرفت. با گذشت ۵۰ سال از حکومت استبدادی رژیم مبارک، این رژیم در نهایت دچار فروپاشی شد و زمینه برای حضور گفت‌وگوهای مختلف در عرصه اجتماع فراهم گشت. در فضای باز سیاسی ایجاد شده هر گفت‌وگوانی درصدد به دست گرفتن قدرت و هژمون ساختن خود در عرصه اجتماع بود. از میان گفت‌وگوهای موجود در مصر دو گفت‌وگو «اسلام‌گرا» و «سکولار» وارد رقابت برای کسب قدرت شدند. گفت‌وگوهای اخوان المسلمین که سابقه بیشتری در عرصه مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی دارد، توانست در رقابت با سایر گفت‌وگوهای طالب قدرت، حاکمیت را بدست گیرد. ولی بعد از یک سال با اعتراضات اجتماعی و کودتای نظامیان دچار بی‌قراری شد. مقاله حاضر در صدد پاسخ به این سوال اصلی و مهم می‌باشد که چرا اخوان نتوانست گفت‌وگو خود را در جامعه مصر تثبیت کند و بعد از یک سال دچار فروپاشی شود و گفت‌وگو سکولار چه نقشی در این فرایند ایفا کرد؟ مقاله پیش رو پاسخ این سوال را در ناتوانی گفت‌وگو اخوان برای غیریت‌سازی ارزشی با فرهنگ غربی، مفصل‌بندی ضعیف میان اهداف رهبری، مردم، ایدئولوژی و قانون، حول دال مرکزی اسلام می‌داند. در نهایت گفت‌وگو سکولار با به چالش کشیدن گفت‌وگو مسلط، نظم موجود را متزلزل نموده و هر چند از طریق کودتا، توانست قابلیت دسترسی پیدا کند. برای این هدف ابتدا به بررسی زمینه‌های اجتماعی گفت‌وگو اسلام‌گرای اخوان المسلمین و گفت‌وگو سکولار پرداخته و در مرحله بعد علل شکست گفت‌وگو اخوان المسلمین بر اساس نظریه گفت‌وگو با استناد بر عناصری از قبیل هژمونی گفت‌وگوانی، بی‌قراری، بحران، انسداد و اسطوره یا وجه استعاره‌ای، کردارهای زبانی و غیر زبانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- چارچوب نظری و روش پژوهش

تحلیل گفت‌وگو که در زبان فارسی به سخن‌کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده است به دلیل گرایش بین رشته‌ای به زودی بعنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مورد توجه قرار گرفت. نظریه لاکلا و موفه در زمینه گفت‌وگو را باید کاربردی‌ترین نظریات این حوزه دانست. به عقیده این دو نظریه‌پرداز معرفی یک نظریه گفت‌وگوانی، مستلزم بیان مفاهیم کلیدی و سازنده آن است.

دال‌ها^۱، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود. مدلول^۲ نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال مورد نظر برایمان معنا می‌شود. به شخص، نماد، یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، دال مرکزی می‌گویند. دال مرکزی، به مثابه عمود خیمه در یک گفتمان است که اگر برداشته شود، خیمه و ستون گفتمان فرو می‌ریزد. (آقاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۵: ۸۶-۷۵)

دال مرکزی آن چیزی است که در گفتمان رقیب طرد شده و جای آن خالی است. در این نظریه، نشانه‌ها و مفاهیم، «دال‌های شناوری» هستند که گفتمان‌های مختلف می‌کوشند به آنها معنا دهند. هرچند فرایند تثبیت معنا هیچ‌گاه به طور کامل و دائمی محقق نمی‌شود و همواره تغییر محتمل است، ولی گفتمان‌ها دقیقاً به دنبال تثبیت معنا هستند؛ چراکه اساساً با تثبیت معنای دال‌های شناور است که نظام معنایی و موجودیت یک گفتمان شکل می‌گیرد. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۳۰)

انسجام یک گفتمان به ثبات رابطه میان دال و مدلول از یک‌سو، و ثبات رابطه دال‌ها با دال مرکزی از سوی دیگر وابسته است. دال‌هایی را که حول دال مرکزی گرد هم می‌آیند، وقته می‌نامند. به طور طبیعی هر گفتمان، یکی از آن معانی را برحسب هم‌خوانی با نظام معنایی خود تثبیت و مابقی را طرد می‌نماید. لاکلا و موفه، معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد شده‌اند، حوزه گفتمان‌گونگی می‌نامند. (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۱۳)

یک وقته تا پیش از ورود به یک گفتمان و مفصل‌بندی شدن و تثبیت معنا در چارچوب آن، در حوزه گفتمان‌گونگی^۳ قرارداد و عنصر نامیده می‌شود. عناصر، دال‌های شناوری هستند که هنوز ذیل گفتمان قرار نگرفته و در واقع از گفتمان مورد نظر طرد شده‌اند. (تاجیک، ۱۳۷۸: ۲۰)

مفهوم بی‌قراری^۴ در نظریه لاکلا و موفه، اشاره به بحران‌ها و حوادثی دارد که هژمونی گفتمان‌ها را به چالش می‌کشد. اینکه هیچ گفتمانی نمی‌تواند به طور کامل تثبیت شود و سلطه خود را برای همیشه حفظ نماید. فهم نظریه گفتمان بدون فهم مفاهیم «ضدیت» و «غیریت»^۵ ناممکن است. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۲)

گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. مفهوم غیریت در ذات خود با مفاهیم «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» همراه است. حاشیه‌رانی نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب و برجسته‌سازی نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب از آن جمله است. (هوراث، ۱۳۷۷: ۱۶۰) منطق تفاوت^۶، به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد و بر

2. signifiers
1. signifieds
2. field of discursivity
3. dislocation
4. otherness
5. the logic of difference

تمایزها و تفاوت‌های میان نیروهای اجتماعی تأکید می‌کند. با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان، کل آن گفتمان هژمونیک می‌شود. از کارکردهای مهم هژمونی آن است که سلطه را جایگزین زور می‌کند، قدرت را نزد افکار عمومی به حقیقت تبدیل می‌نماید و آن را امری عادی و طبیعی جلوه می‌دهد. ساختارشکنی از جمله مفاهیم این نظریه به شمار می‌رود که معنای آن ذیل مفهوم هژمونی قابل فهم است. هژمونی باعث نزدیکی یک دال به مدلولی خاص و در نتیجه، ثبات (موقت) معنای آن نشانه و تبدیل دال شناور به وقته می‌شود. اما هدف از ساختارشکنی، از میان بردن این ثبات معنا و شکستن هژمونی گفتمان رقیب است. زیرا در اذهان سوژه‌ها نیاز به یک گفتمان جایگزین را که بتواند مشکلات موجود را بر طرف سازد پدید می‌آورند (یار محمدی، ۱۳۸۳: ۴۵-۵۷). لاکلا نظریه را اسطوره می‌نامد. از آنجا که اسطوره‌ها محصول بی‌قراری‌های گفتمان‌های حاکم بر نظام اجتماعی هستند، به دنبال رهایی از این بی‌قراری و خلق یک عینیت اجتماعی جدیدند. چرا لاکلا نظریه را اسطوره می‌نامد؟ پاسخ به این سؤال ما را به مفهوم دیگری به نام تصور اجتماعی^۱ رهنمون می‌شود. (دائل، ۱۳۸۰: ۱۲۰) اسطوره تقاضاهای یک گروه یا طبقه خاص از جامعه را نمایندگی می‌کند و این برای تبدیل شدن به یک گفتمان هژمون کافی نیست. بنابراین، باید اسطوره به تصور اجتماعی بدل شود. یک اسطوره برای فراگیر شدن، باید از سطح نیازها و تقاضاهای موجود جامعه فراتر رود و شکلی آرمانی و استعاری به خود بگیرد. به همین علت است که لاکلا از مفهوم اسطوره به جای نظریه استفاده می‌نماید. فاصله موجود میان واقعیت و اسطوره، امکان پیدایش گفتمان‌ها و اسطوره‌های جدید را فراهم می‌سازد. (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷-۱۵۰)

در این پژوهش از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه برای تحلیل در سطح کلان و ترسیم مفصل‌بندی^۲ دال‌ها و چگونگی شکل‌گیری منظومه گفتمانی^۳ و عدم تثبیت هژمونیک گفتمان اسلام‌گرای اخوان المسلمین و از گفتمان انتقادی فرکلاف نیز برای تبیین در سطح خرد و بررسی متون و منازعات گفتمانی و در نهایت شرایط و بسترهای سیاسی و اجتماعی شکل‌گیری و منازعه گفتمان‌ها استفاده شده است.

۳- زمینه‌های اجتماعی گفتمان اخوان المسلمین

مؤسس اخوان المسلمین «حسن البناء»، حدود سال ۱۹۰۰م. در شمال غربی قاهره متولد شده است اساس جهان‌بینی حسن‌البناء پایه‌گذار جنبش اخوان‌المسلمین تفکرات اسلامی مکتب حنبلی است (Munson;2001:3). حسن‌البناء منابع اساسی تعالیم اسلامی را قرآن و سیره‌ی

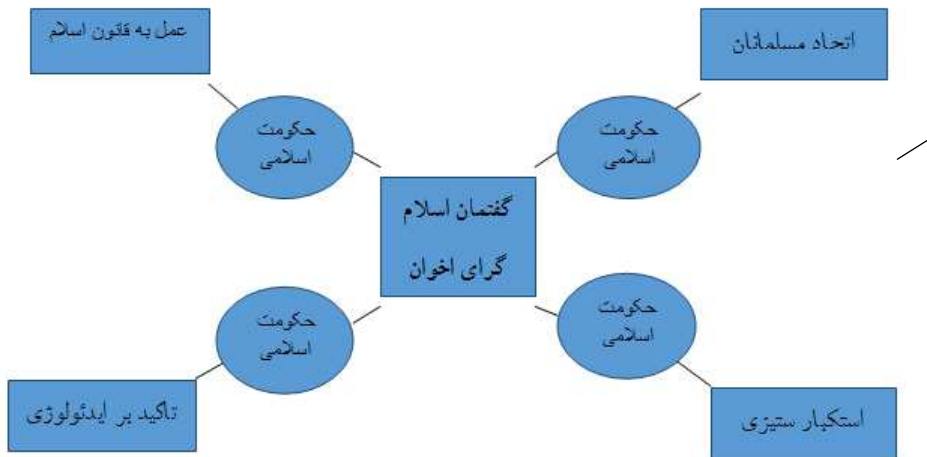
1. social imagination
2. articulation
3. system discourse

رسول اکرم (ص) می‌دانست و تأکید داشت مردم با تکیه بر این دو اصل به کامروایی دست می‌یابند و خواهان بازگشت به اسلام اصیل بود که عرصه‌های زندگی انسان را در هر دو جهان مورد توجه قرار دهد، که در این صورت آن را می‌توان «مکتب عبادت، وطن دوستی، تمدن، دین، حکومت، اخلاق و شمشیر» نامید (Houdaiby, 2013: 2-10). وی در انتقاد از کسانی که عنوان می‌کردند نباید وارد مسایل سیاسی گردید، اعتقاد داشت اصولاً هدف اسلام برپایی حکومت اسلامی و استقرار عدالت در جامعه می‌باشد و بدون ورود به سیاست، دین نمی‌تواند به اهداف اصیل خود دست یابد (حلبی، ۱۳۷۱: ۵۳-۴۰).

اخوان‌المسلمین در ابتدا دارای اهداف زیر بود: آزادی مصر در تمامی زمینه‌ها، آزادی تمامی سرزمین‌های عربی، تلاش در راه وحدت جهان اسلام. وی اخوان‌المسلمین را جنبشی برای اصلاح کامل و بازسازی فکری - اجتماعی جامعه و به عنوان نهضتی برای بازگشت به اسلام واقعی و استقرار کامل جامعه‌ی اسلامی می‌دانست. تأکید ایدئولوژیک اخوان‌المسلمین بر جهان شمولی اسلام، تأکید به بازگشت به اسلام واقعی و تأکید بر عملی بودن تحقق نظام اسلامی در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها می‌باشد. اخوان‌المسلمین یکی از عوامل عقب ماندگی جامعه‌ی مصر در پنجاه سال اخیر را جدایی دین از سیاست می‌دانست. (ابوالحسینی، ۱۳۸۵: ۱۵-۵) هدف نهایی اخوان‌المسلمین برقراری یک حکومت اسلامی است و در دیدگاه آن‌ها مهم‌ترین اساس، یک حکومت الهی با محوریت شریعت می‌باشد. البته ایجاد یک کشور مسلمان تنها خواسته‌ی اخوان‌المسلمین نیست بلکه هدف اصلی آنان، سرنوشت جامعه‌ی مسلمین بود. آنان بازگشت به قرآن را یک وظیفه‌ی شرعی برای حفظ جامعه‌ی اسلامی در برابر انحراف‌ها می‌دانستند. برای رسیدن به آن افزون بر قرآن، از سنت، اجماع، قیاس و آرای مجتهدین هم می‌توان استفاده کرد، از این رو باید مطابق با نیاز زمان، احکام را بررسی و تفسیر نمود. (موسوی الحسینی، ۱۳۷۵: ۱۲۰-۱۰۰)

تجدید حماسه اسلامی در بازسازی و احیای افکار مسلمانان و مبارزه مسلحانه با استعمار و عاملان آن در بلاد اسلامی و همه دشمنان اسلام و آزادسازی دره نیل و کلیه کشورهای عرب و در نهایت همه دنیای اسلام از دیگر اندیشه‌های اخوان می‌باشد. پیکار علمی و اصولی با غرب‌گرایی و مظاهر تمدن اروپایی و مبارزه با ملی‌گرایی که غالباً به منظور تفرقه مسلمانان و از میان بردن وحدت در سرزمین‌های اسلامی از سوی استعمارگران تشدید و ترویج شده است. (عنایت، ۱۳۸۵: ۷۴) در نظر اخوان بهترین نوع حکومت، خلافت الهی است نه جمهوری یا سلطنتی، آنان در اینجا به مانند خوارج و تا حدودی رشید رضا اعتقاد دارند که لازم نیست خلیفه قریشی باشد، هرکسی لایق و مردم‌پسند باشد و از احکام الهی پیروی نماید، مردم باید از او اطاعت کنند. (رجایی، ۱۳۸۱: ۳۵) اصلاح اخلاقی در اندیشه اخوان بدین معنا است که یک نهضت اخلاقی برای تهذیب و احیای اصول اخلاقی مسلمانان لازم است. ارشاد، تبلیغ و

سازندگی جامعه برای تأسیس حکومت اسلامی و تأکید بر مفهوم امت اسلامی در برابر ملت؛ تعامل با فرقه‌های مسلمان و اجتناب از جدال‌ها و درگیری‌های فرقه‌ای، ضدیت با اسرائیل، حمایت از مقاومت فلسطین از اصول گفت‌وگوهای اسلامی اخوان می‌باشد. اخوان المسلمین از سال‌های اولیه شکل‌گیری دارای اهداف گفت‌وگویی کسب قدرت بوده است، گفت‌وگویی که دال مرکزی آن را «اسلام سیاسی» تشکیل داده و دال‌های نظیر مردم، ایدئولوژی، اتحاد مسلمانان، حکومت اسلامی، ضدیت با اسرائیل، حمایت از فلسطین بر حول دال مرکزی اسلام شکل گرفته است. گفت‌وگوهای اخوان به مدت پنجاه سال توسط گفت‌وگوهای سکولار و ملی‌گرای حسنی مبارک سرکوب شده و به حاشیه رفت. در نهایت این گفت‌وگوها بعد از ۵۰ سال فعالیت در عرصه سیاسی مصر قدرت را به دست گرفت.



(مفصل‌بندی گفت‌وگوهای اسلام‌گرای اخوان)

۴- زمینه‌های اجتماعی گفت‌وگوهای سکولاریسم در مصر

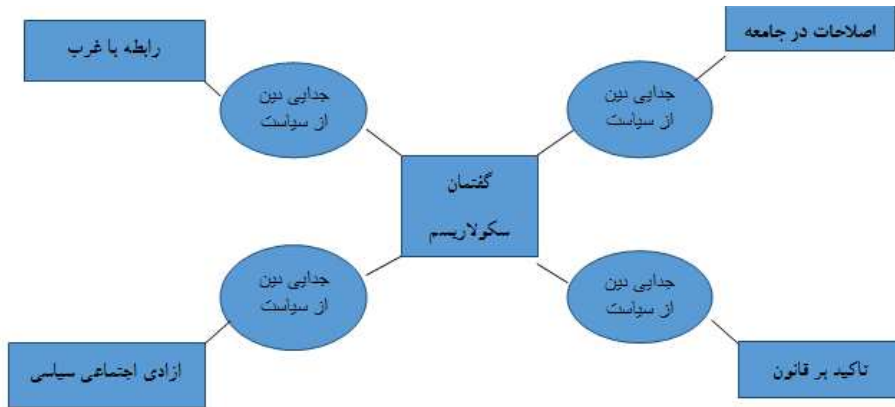
در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی اول در مصر رواج بی‌دینی میان روشنفکران و تحصیل‌کردگان و به ویژه رشد و گسترش سکولاریسم متأثر از تحولات ترکیه و اصلاحات مصطفی کمال آتاتورک بود. علل و زمینه‌های برآمدن و تکامل جنبش سکولار در مصر این است که در سال ۱۹۷۶، انور سادات از طریق قانونی کردن تعداد اندکی از احزاب اپوزیسیون، درجه‌ای از پلورالیسم را برقرار نمود. به دنبال آن نظام چند حزبی بتدریج توسعه یافت. تا سال

۲۰۰۶، کشور مصر دارای ۲۰ حزب قانونی بود که بیشترشان را می‌توان به عنوان سکولار طبقه‌بندی کرد. (Hopwood, 1993: 35-47)

دولت مصر برای حصول اطمینان از اینکه اپوزیسیون آرای اندکی را در انتخابات کسب کند، بدون هیچ ملاحظه‌ای دست به سرکوب و دست‌کاری در نتایج انتخابات می‌زند. بدین ترتیب، احزاب سکولار در واقع هیچ رقابتی برای کسب قدرت با حزب حاکم نداشتند. احزاب سکولار مصر در یک فضای ایدئولوژیک به دو دسته لیبرال و چپ‌گرا تقسیم شده بودند. هنگامی که سادات در سال ۱۹۷۶ دست به ایجاد یک پلورالیسم محدود زد، عمداً احزاب را به دو دسته لیبرال و چپ‌گرا، با محوریت حزب دموکراتیک ملی خودش، طبقه‌بندی نمود. بدین ترتیب بیش از ۲۰ حزب اپوزیسیون در مصر وجود داشتند که همگی در همین دو دسته طبقه‌بندی می‌شدند. چهار حزب اپوزیسیون در مجمع خلق (مجلس دست پایین پارلمان مصر) حضور داشتند که بطور شاخص دو تا از آنها لیبرال بودند. حزب الوفد نوین و حزب فردا (القاد) و دو تای دیگر نیز التجمع و حزب عرب ناصری چپ‌گرا به شمار می‌روند. با ائتلاف اخوان و وفد در انتخابات پارلمانی ۱۹۸۴ که موفق به کسب ۴ کرسی شدند که ۸ کرسی به اخوان تعلق داشت. در ائتلافی مشابه که اخوان المسلمین در انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۸۷ با حزب الحرار ۳۶ کرسی را کسب کرد (Blaydes, 2011: 160-140). احزاب سکولار در مصر به یک اپوزیسیون بی‌خطر و داخلی شده تبدیل شده بودند. این احزاب به سختی می‌توانستند اقتدار-گرایی رژیم را به چالش بکشند. در واقع آنها برای حفظ منافع اندک سیاسی خود و محافظت از فضای باریک و کوچک سیاسی که در اختیارشان قرار گرفته، به رضایت رژیم وابسته بودند. بسیاری از سکولارهای مصر، چه پیر چه جوان، به لحاظ اعتقادی خودشان را مسلمان می‌دانند؛ اما از جدایی دین و سیاست (جدایی نهاد دین از نهاد دولت) دفاع می‌کنند. برخی از آنها مسلمان‌های دموکراسی خواهی هستند که با قرائت اخوانی از دین اسلام مخالفند، برخی دیگر نیز به لحاظ اعتقادی غیرمسلمانانی هستند که دغدغه دموکراتیک بودن جامعه مصر، نقطه پیوند استراتژیک‌شان با گروه نخست (مسلمانان دموکراسی خواه) است. (شکوهی، ۱۳۸۴: ۲۴۰-۲۲۰)

سکولارها بر رویه‌هایی مثل آزادی، حجاب و برابری مسلمان و غیرمسلمان، حقوق اقلیت‌ها، رابطه با دنیای غرب، آزادی، اصلاحات، استبدادستیزی، قانون اساسی سکولار، اقتصاد غیر دولتی و سیاست خارجی فعال تاکید دارند. (عراقچی، ۱۳۷۵: ۵۷۰) بخش عظیمی از جامعه سکولار در جریان انقلاب علیه حکومت مرسی مشارکت داشتند. این گروه با استبداد حکومت مبارک مخالف بودند. لذا با جنبه‌های دیگر حکومت مبارک از قبیل برابری زن و مرد، برابری

مسلمان و غیر مسلمان و آزادی حجاب مشکلی نداشتند. لذا طبیعی بود با توجه به محدودیت-هایی که حکومت مبارک برای این گروه ایجاد کرده بود، با وقوع انقلاب و باز شدن فضای سیاسی به صورت گفتمان سیاسی در صدد کسب قدرت و هژمون ساختن گفتمان خود باشند. گفتمان سکولاریسم به عنوان رقیب در مقابل گفتمان اسلام‌گرای اخوان شکل گرفت که هر دو در تلاش برای کسب قدرت بودند. گفتمانی که دال مرکزی آن را سکولاریسم تشکیل می‌داد و دال‌هایی نظیر جدایی دین از دولت، آزادی، اصلاحات، برابری حقوق زن و مرد، رابطه با غرب بر حول دال مرکزی سکولاریسم شکل می‌گرفت.



(مفصل‌بندی گفتمان سکولاریسم)

۵- ارزیابی و تحلیل و ناکامی اخوان المسلمین و هژمون شدن گفتمان سکولار

۵-۱- مفصل‌بندی و ایجاد زنجیره‌ی هم‌ارزی

هویت یک گفتمان، در اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد. با توجه به منازعات معنایی میان گفتمان اسلام‌گراها و سکولاریسم، علل شکست گفتمان اخوان المسلمین را باید در ناتوانی در مفصل‌بندی درست میان دال‌ها و ناتوانی این گفتمان در غیریت‌سازی با گفتمان رقیب و ناتوانی در درک بسترهای سیاسی و اجتماعی و گروه‌های موجود در جامعه مصر دانست.

الف: فقدان رهبری واحد در میان گروه‌های انقلاب

با شکل‌گیری هر انقلابی وجود رهبری که بتواند تمام نیروها و گفتمان‌ها را هدایت کرده و ایدئولوژی جدید را جایگزین کند امری ضروری است. اخوان از همان ابتدا فاقد رهبری بود که

موجب شد اخوان نتواند میان دال‌های گفتمان خود در لحظه عمل سیاسی و فعال شدن، مفصل-بندی دقیق و درستی شکل دهد. از زمان ورود به سیاست هدف و برنامه مشخصی برای آینده نظام سیاسی نداشت. گفتمان اسلام‌گرای اخوان‌المسلمین بر دال مرکزی اسلام شکل گرفته بود و سایر دال‌ها نظیر دال‌های مردم، رهبری، ایدئولوژی، استکبار ستیزی، حمایت از فلسطین نیز باید بر حول دال اسلام شکل می‌گرفت. لذا اخوان موفق نشد دال‌های ذکر شده را حول دال مرکزی تبیین کند، و نتوانستند زنجیره‌ی هم‌ارزی کاملی را شکل دهند. وقتی که زنجیره هم‌ارزی این تکثر را تبدیل به انسجام نکرد، زمینه برای شکل‌گیری گفتمان رقیب فراهم می‌شود. دولت جدید به جای تکیه به مردم و انقلابیون، رویکرد جدیدی را مد نظر قرار داد ارتباط خود با مردم و انقلابیون را کم‌رنگ کرد، تعامل دولت جدید با مردم رو به سردی گرفت، Barry (2012:10-30).

علی‌رغم اینکه در اندیشه حسن‌البناء نقش رهبری برای هدایت و بسیج توده برای پیروزی مورد توجه بود ولی اخوان فاقد یک رهبری واحد و مشخص بود که بتواند مردم را حول محور یک گفتمان جمع کند و یک تئوری منسجمی برای هدایت انقلاب و برنامه مشخصی برای بعد از انقلاب ارائه کند. به عبارتی به علت فقدان رهبری، اخوان فاقد یک برنامه مشخص برای انقلاب و بعد از انقلاب بود. محمد البرادعی از رهبران گفتمان سکولار در سخنرانی در دانشگاه الازهر گفت «اخوان المسلمین فاقد یک برنامه مشخص برای اداره کشور هستند». اخوان‌المسلمین تعریف مشخصی و روشنی از ایدئولوژی دولت خود ارائه نداد. برای مردم مصر مشخص نبود که دولت مرسی به دنبال چه نوع ایدئولوژی برای دولت خود است. آیا بر مبنای اسلام شکل خواهد گرفت؟ تفکرات غیر دینی و سکولار چه جایگاهی در دولت شکل‌گرفته خواهند داشت؟ مرسی در مصاحبه با روزنامه آلمانی به این مساله پرداخته است که «وی و اخوان‌المسلمین به دنبال دولتی مدرن‌تر از یک دولت دینی هستند و هدف آن‌ها برقراری یک دولت دینی نیست.» (دکميجان، ۱۳۷۷: ۱۵۰-۱۲۰).

ب: سیاست خارجی مسالمت‌آمیز و غرب‌گرایانه

از اصول دیگر اخوان‌المسلمین استکبار ستیزی و حمایت از فلسطین بود. در صورتی که فوری‌ترین خواسته انقلابیون قطع رابطه با اسرائیل بود. این خواسته مردم انقلابی مصر با بی-اعتنایی دولت مرسی مواجه شد. و رابطه با اسرائیل قطع نشد. اقدامات خصمانه علیه سوریه که محور مقاومت و اولین خط مقاومت علیه اسرائیل بود روز به روز شدت گرفت Kumar (2013: 1-6).

مرسی در همان اول وفاداری خود به پیمان کمپ دیوید را اعلام کرد. او در مدت یک سال ریاست خود در مصر علاوه بر کنترل کامل گذرگاه‌های فلسطینیان، اکثر تونل‌های زیر زمینی به داخل نوارغزه و گذرگاه رفح را نیز مسدود کرد. مرسی در مصاحبه با روزنامه آلمانی تاکید می‌کند: «مصر به تداوم صلح با رژیم صهیونیستی پایبند است و در عین حال از روابط متقابل احترام آمیز و متعادل با سایر کشورها نیز استقبال می‌کند». اخوان المسلمین و الازهر به عنوان دو کنشگر گفت‌وگوهای اسلامی مقابل هم قرار گرفتند. دانشگاه الازهر نماد میانه روی و اعتدال تلقی می‌شود و مرکز تولید اندیشه در جهان اسلام بوده و همواره به دنبال اشاعه فرهنگ تساهل و تسامح بوده است، اما با پیروزی اخوان در مصر روحیات رادیکالی سلفی در مصر اوج گرفت، الازهر به مبارزه با این منش پرداخت. زیرا الازهر را از ابتدا طرفدار دموکراسی مذهبی و مدنی می‌شناختند و اخوان را طرفدار حکومت دینی از نوع سلفی، لذا این دو نهاد رادیکال و میانه-رو با به قدرت رسیدن اخوان در مقابل هم قرار گرفتند. (El Rashidi, 2013: 10-35). دولت جدید اخوانی دست به مداخلات در صحنه سیاست خارجی زد و سعی کرد تا به نوعی برای دریافت کمک‌های اقتصادی از سیاست‌های آمریکا، عربستان سعودی و قطر در منطقه پیروی کند. حتی روابط با اسرائیل هم در این دوران به روال سابق ادامه یافت. سایت خبری الأهرام مصر نیز در گزارشی به نقل از عبدالعظیم المغربي معاون دبیرکل اتحادیه وکلای عرب نوشت: اخوان المسلمین از آغاز تا کنون به آمریکا وابسته بود و خواهند بود. بدون تردید، وعده حمایت مالی ۸ میلیارد دلاری باراک اوباما از دولت محمد مرسی با هدف نفوذ و سیطره بیشتر آمریکا در مصر صورت گرفت. بنابه گفته عبدالعظیم، تمام حمایت‌های مالی آمریکا و غرب از دولت محمد مرسی به منظور از بین بردن وحدت و یکپارچگی مردم مصر و برای ایجاد جریان لیبرالیستی نوین در جامعه مصر برنامه ریزی شده بود (Jeremy, 2104: 7-9).

بنابراین تغییر مورد نظر انقلابیون در صحنه سیاست خارجی که خواهان یک سیاست فعال در عرصه منطقه‌ای بودند هم به نوعی نادیده گرفته شد و حکومت مرسی همان سیاست سنتی و منفعلانه مصر در زمان مبارک را دنبال کرد. خودباختگی اخوان در برابر سیاست و اوامر آمریکا و نرمش شدید در رفتار با اسرائیل، نه تنها آمریکا را قانع نکرد بلکه نتوانست رضایت مردم مصر را جلب کند. این رفتار سبب شد، اخوان، نزد آمریکا به عنوان منافقانی شناخته شوند که رفتار ظاهری مغایر با تفکرات درونی دارند. نزد مردم خود نیز به عنوان دروغ‌گویانی شناخته شدند که رویکردی خلاف غرب ستیزی دارند. مسئولان اخوان در طول دهه‌های گذشته، در سخنرانی‌های خود به آمریکا و اسرائیل ناسزا گفته‌اند و همواره به مردم وعده داده‌اند که در صورت به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان، آسایش، استقلال و رهایی از وابستگی بر کشور حاکم می‌شود. آن‌ها همچنین همواره برای آزادی قدس و پشتیبانی از مقاومت شعار سر می‌دادند. «سکولارها» به این دلیل «اخوان المسلمین» را به ریاکاری و مزدوری در سیاست خارجی

متهم کردند. مطالب ذکر شده بیانگر این است که گفتمان اسلام‌گرای اخوان دچار تضادها و تناقضات درونی در گفتار و عمل می‌باشد و در مفصل بندی دال‌ها حول دال مرکزی اسلام به دلیل تناقضات درونی نتوانست شکل گرفته و به تثبیت معنایی برسد. (راکبیان، ۱۳۹۲: ۴).

۵-۲ غیریت‌سازی و مرزبندی گفتمان خود و گفتمان دگر

هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. گاه در برابر یک گفتمان، غیرهای متعددی وجود دارد که آن گفتمان از آنها در شرایط گوناگون و برای کسب هویت‌های مختلف استفاده می‌نماید. در واقع برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و هژمونی یک گفتمان است. اخوان المسلمین به خوبی نتوانست عمل غیریت‌سازی را انجام دهد.

الف. فاصله گرفتن اخوان از اهداف انقلاب

حسن‌البناء اخوان‌المسلمین را جنبشی برای اصلاح کامل و بازسازی فکری - اجتماعی جامعه به عنوان نهضتی برای بازگشت به اسلام واقعی و استقرار کامل جامعه اسلامی می‌دانست. تأکید ایدئولوژیک اخوان المسلمین بر جهان‌شمولی اسلام، تأکید به بازگشت به اسلام واقعی و تأکید بر عملی بودن تحقق نظام اسلامی در همه مکان‌ها و زمان‌ها می‌باشد (Simbar, 2007: 65-75).

اخوان در مدت یک‌ساله که بر قدرت بود باید گفتمان رقیب، سکولاریسم، را به حاشیه رانده و هژمونی گفتمان خود را تثبیت می‌کرد. گفتمان رقیب که مبتنی بر آزادی، اصلاحات و رابطه با غرب و جدایی دین از سیاست بود به حاشیه رانده نشد. در صورتی که اساس گفتمان اخوان بر پایه اسلام‌گرایی و یکی بودن دین و سیاست بود. در صورتی که تفکرات اخوان آزادی سرزمین‌های عربی و وحدت جهان اسلام مطرح است و حمله یک کشور مسلمان به منزله تجاوز به جهان اسلام می‌باشد. حتی با تشدید بحران فلسطین اخوان المسلمین به کمک‌های مالی و نظامی به فلسطین پرداخت و اعضای آن نیز در نبرد فلسطین شرکت داشتند. اما با به دست گرفتن قدرت به علت عدم شناخت از واقعیت جامعه و بی‌تدبیری به نقض گفتمان خود پرداخت، رابطه‌اش را با اسرائیل قطع نکرده و روی خوشی به فلسطین نشان نداده و گذرگاه رفح را به روی آنها بست. اخوان هم‌چنان چشم امید به کمک‌های مالی آمریکا برای بهبود اوضاع داشت. تحت تاثیر ترکیه فشار بر حماس را برای متوقف کردن حملات به اسرائیل و تن دادن به مذاکرات با اسرائیل را بیشتر کرد (برزگر، ۱۳۹۱: ۳).

انقلابی که حکومت سی‌ساله مبارک را سرنگون کرد در راستای دموکراسی و آزادیخواهی بود و انتظار مردم این بود که دولت جدید مستقل از قدرت‌های خارجی عمل کند. در مجموع اخوان

توانست یک شیوه حکومتی با ایدئولوژی جدید به مردم ارائه کند. در این شرایط مردم مصر متوجه این نکته شدند که همان روش های حکومتی رژیم سابق مثل کمک های اقتصادی امریکا و رابطه داشتن با اسرائیل ادامه دارد و شاهد تغییری جدید در عرصه حکومت داری نیستند و استبداد رژیم قبل که باعث فروپاشی گفتمان استبداد شده با شکل جدیدی به نام استبداد اخوانی در حال شکل گیری است. به گزارش مجله النهار لبنان، اخوان المسلمین مصر بر این باور بودند که رضایت و حمایت آمریکا سند محکمی است که میتواند جلوی هرگونه خیزش و اعتراض مردمی را علیه دولت بگیرد. در همین چارچوب بود که محمدمرسی مانع نقض آتش بس جنبش حماس و فلسطینیان بارزیم صهیونستی شد و تونل های زیرزمینی موجود که از قبل میان مصر و نوار غزه را مسدود کرد (Gerbaudo, 2103: 106).

این موارد تأییدی بر آن است که اخوان نه تنها موفق به غیریت سازی میان نظم «اسلامی» و «سکولار» نشد، بلکه در غیریت سازی با «استکبار» و «غرب» نیز موفق نبود. در حالی که یکی از اصول و نشانه های مفصل بندی این گفتمان نفی «سکولاریسم» و «استکبار ستیزی» بود. این اقدام اخوان باعث شد که اخوان در نزد مردم و سایر کشورها به عنوان ریاکارانی شناخته شوند که در صدد دستیابی به قدرت بوده و پایبند به اصول خود نیز نمی باشد. (مسعودنیا؛ ۱۳۹۱: ۱۸۵-۱۷۰)

ب. اتحاد میان گفتمانهای رقیب

پس از سقوط مبارک و به قدرت رسیدن مرسی، لیبرال های محافظه کار و لیبرال های اصلاح طلب اختلافات میان خود را کنار گذاشتند و به غیریت سازی از گفتمان اسلام گرایی پرداختند. این گروه ها اگرچه در دوره انتقالی با طرح های شورای عالی نظامی مخالف بودند اما پیروزی اسلام گرایان اخوانی در انتخابات ریاست جمهوری و در واقع اسلام گرایی، به گفتمان لیبرال هویت یکپارچه ای بخشید. نماد عملی این یکپارچگی، «تأسیس جبهه ملی نجات» بود. برخی از جریان های چپ نیز به موضعی مشابه رسیدند. مرسی موفق به جذب گفتمانهای رقیب در درون گفتمان خود نشد. به گونه ای که آن ها به این نتیجه رسیدند که مرسی سیاست های ضد کارگری و طرفدار امپریالیستی پیشینیان خود را ادامه می دهد. زیرا او بلافاصله پس از انقلاب، به مذاکره با صندوق بین المللی پول پرداخت. هدف او هم این بوده که اقتصاد مصر را همچنان لیبرالیزه کند و یارانه ها را کاهش و همچنین از منافع آمریکا در منطقه دفاع کند (باقری و عوض پور، همان: ۱۶۵).

در نتیجه این چرخش گفتمانی فرصت های سیاسی جدیدی برای مخالفان اخوان ایجاد شد. برخی از احزاب چپ چون حزب ائتلاف مردمی سوسیالیست ها، حزب تجمع و حزب سوسیالیست، از کودتا علیه مرسی حمایت کردند. خرده گفتمان اسلام گرای سلفی نیز در منظومه

گفتمانی خود کودتا را به گونه‌ای دیگر وارد و توجیه کرد. سلفیان که ابتدا از مرسی حمایت کرده بودند در برابر مرسی قرار گرفتند. این اختلاف زمانی آغاز شد که حزب سلفی نور در اسکندریه، تصمیم خود را برای رای «آری» دادن به پیش‌نویس قانون اساسی جدید مصر اعلام کرد. این در حالی بود که گروه اخوان المسلمین مصر با طرح ادعای بطلان قانون اساسی جدید این کشور خواستار تحریم همه پرس‌پرسی آن شدند. «وجدی غنیم» مبلغ اخوانی ساکن قطر با حمله به سلفی‌های مصر به ویژه اعضای حزب نور، مهمترین گروه سلفی مخالف اخوان، آنان را خائن و کافر نامید و از تمام مصری‌ها خواست که همه پرس‌پرسی قانون اساسی جدید این کشور را تحریم کنند. در این شرایط بحرانی، حضور رهبر حزب‌النور در جلسه با السیسی که منجر به برکناری مرسی شد، بسیاری را حیرت‌زده کرد. مشارکت حزب نور در این جلسه نوعی پوشش اسلامی برای این کودتا علیه مهم‌ترین گروه اسلامی یعنی اخوان المسلمین فراهم نمود (احمد زاده، ۱۳۹۲: ۳).

۳-۵. اسطوره‌سازی در شعار و ناتوانی حل بحرانها در عمل

چگونگی برطرف‌سازی بحران اجتماعی که با سقوط یک گفتمان و فعال شدن گفتمان نوظهور اهمیت می‌یابد امری است که از میزان کارایی اسطوره یک گفتمان در عرصه عمل خبر می‌دهد. اسطوره تقاضاهای یک گروه یا طبقه خاص از جامعه را نمایندگی می‌کند و این برای تبدیل شدن به یک گفتمان هژمون کافی نیست. بنابراین، باید اسطوره به تصور اجتماعی بدل شود. تصور اجتماعی برخلاف اسطوره، همگانی است و بخش‌های گوناگون جامعه را نمایندگی می‌کند (Sasnal, 2013: 2).

الف. ناتوانی اخوان در حل مشکلات اقتصادی

گفتمان‌ها در شرایط بحران شکل گرفته و خود را توانمند در حل مشکلات نشان می‌دهند. گفتمان برای هژمون شدن باید از سطح گروهی خاص فراتر رفته و همه گروه‌ها را شامل و قادر به برآوردن همه نیازهای جامعه شود. گفتمان اسلام‌گرای اخوان باید این تصور را برای جامعه مصر ایجاد می‌کرد که قادر به حل همه مشکلات پیش رو خواهد بود. چون با سقوط هر گفتمان در اثر ناکارآمدی مردم به دنبال گفتمانی هستند که بتواند مشکلات آن‌ها را حل کند. در مدتی که گفتمان اخوان حاکم بود این تصور برای مردم ایجاد نشد که این گفتمان حاکم توان حل مشکلات را دارد. جامعه مصر در زمان حاکم بودن گفتمان استبدادی مبارک در عرصه داخلی با مسائلی از قبیل استبداد، فقدان آزادیهای سیاسی، مشکلات اقتصادی، بیکاری، فقر، توزیع

ناعادلانه ثروت در جامعه، انسداد فضای سیاسی و تضعیف بنیه اقتصادی در این کشور بود. اقتصاد مصر پس از انقلاب دچار افول شد به گونه‌ای که از ۳۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۱۶ میلیارد ریال در سال ۲۰۱۲ رسید. (Gerbaudo, 2103.104-109).

بعد از انقلاب مردم انتظار داشتند دولت جدید بتواند تا حدودی از مشکلات را حل کند ولی این اتفاق در جامعه مصر رخ نداد. درآمدهای توریستی که بخش قابل توجهی از اقتصاد مصر را تامین می‌کرد بر اثر بی‌ثباتی و بی‌تدبیری دولت تضعیف شد. جامعه مصر با بحران سوخت، قطع مداوم برق، بیکاری رو به افزایش، کم شدن خدمات اجتماعی و افزایش میزان فقر مواجه بود. نیمی از جمعیت ۸۰ میلیونی این کشور در زیر خط فقر بوده، سرمایه‌گذاری در این کشور بعد از انقلاب به شدت کاهش پیدا کرده و درآمدهای توریستی کاهش یافت. ناکارآمدی کابینه در حوزه اقتصادی موجب شد ۴۰ درصد مردم مصر با درآمد روزانه کمتر از ۲ دلار زندگی کنند (Williams, 2013: 29-33).

ب. انحصار طلبی اخوان در حوزه تقسیم قدرت

در چنین شرایط اقتصادی ناکارآمدی که ذکر شد، دولت از نظر سیاسی به تثبیت قدرت و حاکم کردن حزب خود در قدرت و حذف رقبا بود. عمر موسی از نمایندگان سکولار در مصاحبه‌ای گفت «مرسی وعده صد روزه برای حل این مشکلات داد ولی الان یک سال از شروع کار دولت مرسی گذشته است و او نتوانسته است به این وعده‌ها جامه عمل بپوشاند. از طرفی هم دولت منتظر کمک‌های امریکا برای بهبود اوضاع است». اخوان باید این نکته را می‌دانست که با فاصله بسیار اندکی از گفت‌وگوهای رقیب پیروز شده و تنها ۳۳ درصد به قانون اساسی اسلامی مصر رای دادند. ۵۷ درصد از رأی‌دهندگان در قاهره که پایتخت و بزرگ‌ترین شهر مصر است با این قانون اساسی مخالفت کردند. «مرسی» رئیس‌جمهور مصر به منظور پیش‌دستی بر انحلال احتمالی مجلس مؤسسان دوم، با صدور حکمی در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۳ به خود قدرت گسترده و مصونیت از نظارت قضایی اعطا کرد. از سوی دیگر در این کشورها، قبلاً قوانینی توسط سکولارها مثل قوانین مربوط به نهاد خانواده یا قوانین مربوط به برابری مذهبی وضع شده است. یعنی جامعه از یکسو انتظار دارد که اسلام‌گرایان قانون اساسی دارای بعد مذهبی بنویسند و از سوی دیگر، جامعه در دوره طولانی حکومت سکولارها، رویه‌هایی را تجربه کرده و این رویه‌ها انتظاراتی را ایجاد کرده‌اند که سمت و سوی دیگری دارند. رویه‌هایی مثل آزادی حجاب و برابری مسلمان و غیرمسلمان. به همین دلیل سکولارها «اخوان المسلمین» را چون «دیکتاتور»، «ضد آزادی»، «استفاده‌ای از دین» متهم کردند. (دور اندیش، ۱۳۹۱: ۶)

مصر کشوری متفاوت در جهان عرب از لحاظ غنای فرهنگی، سابقه تاریخی-تمدنی، ترکیب جمعیتی و وجود گرایش‌های متفاوت سیاسی، قومی و مذهبی است. با این ویژگی، تداوم هر

حکومتی در مصر نیازمند رسیدن به نوعی تعادل در تقسیم قدرت نهادها و گرایش‌های سیاسی در صحنه حکومت مصر است. اخوان المسلمین و محمد مرسی وقتی این شرایط را دیدند، باید به سمت « دولت ائتلاف ملی » حرکت می‌کردند که زمینه برای تشکیل گفتمان متخاصم شکل نگیرد؛ یعنی باید نوعی تقسیم قدرت شکل می‌گرفت. مجله النهار لبنان مهمترین دلیل شکست اخوان را تکصدایی و بی‌اعتنایی آنها به سایر حزبهای سیاسی می‌داند. دولت حاکم باید توزیع قدرت را چنان ماهرانه انجام می‌داد که امکان فرصت‌سازی از رقیب را می‌گرفت، لذا اخوان موفق به این اقدام نشد بلکه اقدام به حذف رقبا به خصوص نهادهای امنیت و ارتش و قوه قضاییه نموده و مسیر استبداد را (که باعث فروپاشی گفتمان قبلی شده بود) انتخاب کرد. در قانون اساسی نیز به همین نحو عمل نموده و حقوق زنان را نادیده گرفته و نتوانست به عنوان گفتمان غالب، اکثریت مردم را به آن جذب کند و طیف وسیعی از جامعه که فقط با استبداد حکومت قبل مشکل داشتند را نادیده گرفت. (Sasnal, 2013:2) به عبارتی اخوان باید اول اوضاع اقتصادی را سامان داده و ثبات را حاکم می‌کرد و با تولید نظام معنایی، گفتمان خود را هژمون ساخته و اکثریت را جذب گفتمان اسلام‌گرا نموده و در مرحله بعد به تثبیت قدرت اخوان می‌پرداخت. اخوان نتوانست در تعریف و نهادینه‌سازی نقش دولت به عنوان یک مدیر اسلامی برای جامعه اسلامی و مشکلات پیش‌روی آن راهکار مناسب ارائه دهد. فقدان بحث-های روشن‌گرانه و نهادهای حمایتی که وجهه سیاسی و نه اجتماعی داشته باشد، بزرگترین نقص در تفکرات اخوان بود. فقدان انسجام در روابط دولت با مذهب، فقدان استراتژی منسجم، تضاد میان تعهد به تغییر و حفظ وضع موجود از دیگر مشکلات اخوان بود. (Houdaiby, 2013:6-10)

۵-۴- کردارهای زبانی و غیر زبانی؛ هژمون یا فروپاشی گفتمان

متن، معنا و کردارهای اجتماعی اساس تحلیل گفتمانی منازعات معنایی میان گفتمان‌های متخاصم است. این منازعات معنایی در صورت‌های مختلف در اجتماع نمود پیدا می‌کند به گونه‌ای که همه کردارهای اجتماعی و گروه‌های سیاسی را در بر می‌گیرد. در مصر نیز گفتمان رقیب اخوان المسلمین از کردارهای زبانی و غیر زبانی برای به حاشیه راندن گفتمان حاکم به درستی استفاده کرده و موجب به حاشیه کشاندن آن شد. کردارهای زبانی همچون سخنرانی‌ها و از طریق افراد روشن فکر و تحصیل کرده و نوشتن مقالات از طریق رسانه‌ها و دانشگاهها صورت گرفت.

الف. ناتوانی اخوان در تثبیت اوضاع سیاسی و اجتماعی

از زمانی که اخوان قدرت را به دست گرفت موفق نشد اوضاع سیاسی و اجتماعی را در کشور تثبیت کند. افراد سکولار مثل محمد البراده‌ای در مصاحبه‌ای گفته بود «دیدگاه روشن نیست و کشور دچار شکاف است و ما چندین دهه حکومت استبدادی را به ارث برده‌ایم. خشم و نارضایتی شدیدی در بین جوانانی که انقلاب کردند وجود دارد زیرا احساس می‌کنند که انقلاب از آنها به سرقت رفته است یا اینکه امید یا رویای آنها به سرقت رفته است. زیرا این جوانان رویای آینده داشتند و نوعی خشم و ناامیدی در بین جوانان است که ۶۰ درصد ملت مصر را تشکیل می‌دهند و زیر ۳۰ سال سن دارند». انقلاب به دلایل مختلف و برای تحقق آزادی سیاسی بوقوع پیوست و اکثریت ملت مصر برای تامین نیازهای اساسی و حق معیشت و زندگی و کرامت و برخورد انسانی قیام کردند و اینها الان احساس می‌کنند که همان رژیم ادامه دارد؛ اما با رنگ و بوی دینی یا آنچه به آن رنگ و بوی دینی اطلاق می‌شود. طبیعی است اخوان المسلمین و کسانی که با آنها هستند؛ انقلاب را به سرقت بردند. پایگاه خبری المشاهیر سودان نیز در مقاله ای می‌نویسد: راز شکست گروه اخوان المسلمین ریشه در برداشتهای دینی و اندیشه های افراطی آنها دارد. اخوان المسلمین یک گروه تندروی اسلامی است که طرفداران آن اندیشه های سطحی و کودخانه ای به دین، زندگی و جهان هستی دارند. (Gerbaudo, 2103: 108-115). برای گروه اخوان المسلمین دولت و حکومت درمقایسه با منافع و اهداف جنبش جهانی اخوان اهمیت چندانی نداشت. پایگاه الأهرام المسائی مصر نوشت: دغدغه اصلی اخوان المسلمین اهداف، برنامه ها و آینده اش در سراسر جهان بود. این همان چیزی بود که آنها برای تحقق و پیشبرد آن مرتکب اشتباهات بسیاری شدند و با موسسات و نهادهای دولتی مانند ارتش، پلیس و رسانه ها اختلاف پیدا کردند و به تدریج مشروعیت خود را در نزد شهروندان مصری از دست دادند.

شهاب وجیه، سخنگوی حزب مصریان آزاد و عضو جبهه نجات ملی مصر در گفتگویی گفته است: «مصری‌ها دیگر از سیاست‌های مرسی راضی نیستند. حقیقت این است که محمد مرسی در تمامی زمینه‌هایی که مصر تا کنون از آنها رنج می‌برده ناکام بوده است. این توطئه‌نیت است. این یک ناکامی و شکست بسیار ساده است. این همان چیزی است که ما در قاهره از آن رنج می‌بریم». عمرو موسی در مصاحبه خود با روزنامه الحیات چنین گفت، «واقعا از تغییر مصر در نبود قدرت نرم و آینده نگری و تصمیم‌های سرنوشت ساز می‌ترسم. لازم است که در اولویت های سیاسی مصر تجدید نظر شود و آموزش و پژوهش علمی را قبل از هر چیز مدنظر داشته باشیم، برای این که چیزهای بسیاری هستند که از نزد مردم گم شده‌اند، گمشده‌اند چون سوء مدیریت حاکمیت مسبب آن شده است». مرسی در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای نیز به جای اتحاد با ایران و حزب‌الله به سمت جدایی از این دو کشور حرکت کرد. مرسی به حمایت از

معارضین سوریه پرداخت و به جای اتحاد به اختلافات مذهبی میان شیعه و سنی دامن زده و به جای قطع رابطه با اسرائیل به دنبال گسترش روابط با رژیم صهیونیستی بود. مرسی نتوانستاز نفوذ عربستان و قطر در مصر بکاهد. در مجموع اخوان موفق به تثبیت اوضاع سیاسی و اجتماعی در جامعه مصر نشد.

ب. استبداد اخوان و تکیه به ارتش

زمانی اخوان یکی از گروههای مخالف گفتمان استبدادی مبارک بود و به استبداد و دیکتاتوری حکومت مبارک معترض بود. زمانی که اخوان به قدرت رسید با صدور اعلامیه قانون اساسی، مرسی درصدد انحصارگرایی قدرت در میان اخوان بر آمد که این اقدام باعث اعتراض گروههای مختلف شد. گروهی چون جنبش جدید التاسیستمرد (شورش) پانزده میلیون امضا جمع کرده است و از موضوعات مرتبط با بحران اقتصادی کنونی، کمبود فراوردههای نفتی، قطعی مکرر برق و افزایش قیمت کالاهای اساسی، برای گرد آوردن مصریهای خشمگین در روز سی ژوئن، استفاده کرد. علاوه بر کردارهای زبانی گفتمان سکولار از طریق کردارهای غیر زبانی نیز به صورت گسترده استفاده کرد. تحریک مردم برای تجمع گسترده در میدانی اصلی قاهره و اعتراض به عملکرد دولت به همراهی ارتش، ایجاد درگیریهای قومی و خیابانی، اختلال در روند فعالیت دولت، ممانعت از برگزاری انتخابات پارلمانی جدید و همچنین اعمال فشار برای تغییر برخی از وزرای کابینه، زمینه فروپاشی گفتمان حاکم را موجب شد. به این ترتیب رویکرد مرسی در انحصار قدرت در مصر در حزب اخوان المسلمین زمینه‌ای لازم برای صف‌آرایی مخالفان مرسی در صحنه سیاسی - اجتماعی مصر را فراهم کرد. مطالبه اصلی سکولارهای مصر، یعنی جدایی نهاد دین از نهاد دولت، منتهی شد و این آغاز دعوی مرسی و یارانش با سکولارهای مصر بود که رفته رفته زمینه اتحاد بین نهادهای سکولار و سنتی قدرت در مصر همانند ارتش، نیروهای امنیتی، نهادهای بوروکراتیک و نخبگان وزارت خارجه و قوه قضاییه از یک سو و جریان‌های اجتماعی - سیاسی و روشنفکری در دانشگاه‌ها از جمله الازهر با حمایت جوانان که از سیاست‌های مرسی سرخورده شده بودند از سوی دیگر، شکل گرفت (برزگر، ۱۳۹۲: ۵).

این اتحاد بر مفاهیمی همچون خروج از انحصارگرایی قدرت، جلوگیری از استبداد اخوانی، بازیافتن اقتدار ملی، حفظ ثبات و امنیت شکل گرفت که همگی به نوعی خواست‌های اولیه انقلابیون بودند. اخوان کنترلی بر بدنه وزارت خانه‌های دولت پیشین چون سازمانهای قضایی و رسانه‌ها نداشت و ناتوان از اصلاحات در دستگاههای امنیتی، سیاسی، اقتصاد و حتی فرهنگی بود. دستگاههای قضایی و مسولیت اجرای امنیت هنوز در دست ارتش بود. بسیاری از امور سیاسی و امنیتی و قضایی در زمان مرسی هم چنان در دست ارتش بود. با وجود اینکه به

مرسی توصیه شد نیروهای مستقل تشکیل دهد اما وی این کار را انجام نداد. اخوان المسلمین از اینکه با مردم تعامل مناسبی داشته باشد، اجتناب ورزید (Roll, 2016:6).

جدول شماره ۱: شاخص های منازعه گفتمان های اسلام گرا و سکولار در مصر (۲۰۱۱-۲۰۱۳)

عناصر نظریه گفتمان	گفتمان اسلام گرا	گفتمان سکولار	علت بی قراری و فروپاشی اخوان المسلمین
دال مرکزی	اسلام و عمل به آن	جدایی دین از سیاست	انحراف اخوان از ایدئولوژی اسلام و ایده الیسم اسلام گرایان مصر
مفصل بندی و زنجیره هم ارزی	مفصل بندی میان دالهای اسلام، ایدئولوژی، استکبار ستیزی، مردم	مفصل بندی میان دالهای آزادی، اصلاحات، قانون، رابطه با غرب	ناتوانی در ایجاد رابطه هم ارزی میان دالهای اسلام، مردم و ایدئولوژی و حکومت اسلامی،
غیریت سازی و مرزبندی گفتمانی	غیریت سازی با گفتمان سکولار	غیریت سازی با گفتمان اسلام گرا	ناتوانی اخوان در غیریت سازی در داخل در برابر سکولارها و در خارج در مقابل غرب و اسرائیل
اسطوره سازی	پاسخ به تقاضای همه گروهها و حل بحرانها	تبدیل اسطوره به عینیت و تصور اجتماعی	ناتوانی اخوان در حل بحرانها و وجود مشکلات اقتصادی، بیکاری، فقر، توزیع نادلانه ثروت در جامعه
کردارهای زبانی و غیر زبانی	بسیج توده ای مردم و حضور مردم در صحنه	سخنرانی، شورش های خیابانی، اعتصاب، تظاهرات	تکیه بر ارتش به جای مردم و تعامل ضعیف میان نیروهای انقلابی و اخوان

نتیجه گیری

گفتمان استبدادی حکومت مبارک در مصر توسط گفتمان اسلام گرای اخوان المسلمین که مدت سی سال توسط مبارک به حاشیه رانده شده بود دچار فریاشی شد و اخوان المسلمین قدرت را به دست گرفت. برخی آن را تحولی بزرگ در مصر دانستند دولتی روی کار آمده که اسلام گرا بوده و سایر انقلاب های عربی را تحت تاثیر قرار داده و موجب تحول در منطقه خواهد شد. ولی بعد از گذشت یک سال ناگهان گفتمان اسلام گرای اخوان که بعد از سی سال قدرت را به دست آورده بود با اعتراض گسترده مردم و با حمایت ارتش دچار بی قراری شده و فروپاشید. بر اساس نظریه گفتمان علت این امر در ناتوانی اخوان در تولید نظام معنایی گفتمان خود و عدم موفقیت در هژمون ساختن آن بود. هر گفتمانی اگر بخواهد برای مدتی پایدار بماند باید گفتمان خودش را در ذهنیت اجتماع تثبیت کند. گفتمان ها در دوره بحرانها شکل گرفته و خود را توانمند برای حل مشکلات پیش رو نشان می دهند. مردم نیز انتظار حل مشکلات را دارند.

اخوان المسلمین در این یک سال موفق به حل مشکلات جامعه مصر نشدند. مشکلات اقتصادی رژیم قبلی همچنان پابرجا بود. فقر، بیکاری، کاهش درآمدها، در این سال ادامه یافت. جامعه انتظار شیوه نو و متفاوت با حکومت گذشته در عرصه داخل و خارج داشت. اخوان المسلمین در عرصه سیاست خارجی با گذشته تفاوت نداشت. انحصار طلبی، استبدادگرایی، ناتوانی در حذف عناصر باقی مانده از دوران مبارک، عدم توجه به نیروهای مردمی و تکیه به ارتش عواملی بودند که باعث شد اخوان نتوانند اوضاع سیاسی و اجتماعی را در جامعه مصر تثبیت کنند. در مجموع اخوان نتوانست مفصل‌بندی درستی میان دال‌های مردم، ایدئولوژی، رهبری با دال مرکزی اسلام انجام دهد، و با غیریت‌سازی در مقابل گفتمان سکولاریسم در داخل و استکبار ستیزی در خارج گفتمان خود را تثبیت و گفتمان رقیب را به حاشیه رانده و تضعیف کند. در چنین شرایطی گفتمان سکولاریسم در جامعه به علت بی‌تجربگی و ناتوانی دولت جدید در حل مشکلات بحران‌سازی کرده و علت بحران را گفتمان حاکم دانسته و با توسل به کردارهای زبانی و غیر زبانی از طریق نخبگان، روشنفکران و اعتراضات مردمی زمینه فروپاشی گفتمان حاکم را هرچند از طریق کودتا، موجب شده و از بحران اجتماعی ایجاد شده که سراسر نظم گفتمانی موجود را متزلزل کرده بود استفاده نمود و توانست «قابلیت دسترسی» پیدا کند.

منابع الف - فارسی

- ۱- آفاگل زاده، فردوس و مریم سادات غیاثیان؛ (۱۳۸۶). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان». *زبان و زبان‌شناسی*. ش ۳ (پیاپی ۵).
- ۲- ابواحسینی، رحیم (۱۳۸۵)، «حسن ابن احمد ابن عبدالرحمن البنا، نشریه فلسفه»، کلام، عرفان، اندیشه تقریب، شماره ۶.
- ۳- باقری دولت آبادی، علی و عوض پور، مهدی (۱۳۹۲)، *انقلاب مصر، ریشه‌ها، بازیگران و پیامدها*، تهران: گروه مطالعات آفریقا.
- ۴- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸)، «گفتمان و تحلیل گفتمانی» تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- ۵- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۳)، «گفتمان، یادگفتمان و سیاست»، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ۶- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۱)، «تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر»، تهران: انتشارات بهبهانی.
- ۷- دانیل، مک (۱۳۸۰)، «مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان»، ترجمه: حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- ۸- دکمجان، هرایر (۱۳۷۷)، «جنبش‌های اسلامی در جهان غرب»، مترجم حمید احمدی، نشر کیهان.
- ۹- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۱)، «اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب»، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ۱۰- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، «قدرت، گفتمان و زبان»، تهران: نشر نی.
- ۱۱- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، *علوم سیاسی*، ش ۲۸.
- ۱۲- شکوهی، عباس (۱۳۸۴)، «ارزیابی اولین انتخابات ریاست جمهوری در مصر»، *فصلنامه مطالعات آفریقا*، شماره ۱۱.
- ۱۳- عنایت، حمید (۱۳۷۲)، «سیری در اندیشه سیاسی عرب»، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۱۴- عراقچی، عباس (۱۳۷۵)، «نهضت بازخیزی اسلامی در قرن بیستم؛ بنیادگرایی یا افراط‌گرایی»، *سیاست خارجی*، شماره ۲.
- ۱۵- منوچهری، عباس (۱۳۸۷)، «رهیافت و روش در علوم سیاسی»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ۱۶- مسعودنیا، حسین؛ (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل سقوط رژیم حسنی مبارک و چشم‌انداز تحولات کشور مصر»، *دانش سیاسی*، دوره ۸، شماره ۱۵، تابستان،

- ۱۷- موسوی الحسینی، اسحق (۱۳۷۵)، «*اخوان المسلمین*»، ترجمه: هادی خسرو شاهی، تهران انتشارات اطلاعات.
- ۱۸- هوارث، دیوید (۱۳۷۷) «*نظریه گفتمان*»، ترجمه: سید علی اصغر سلطانی. فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲.
- ۱۹- یار محمدی، لطف الله (۱۳۸۳)، «*گفتمان شناسی رایج و انتقادی*»، تهران: هرمس.

ب- منابع انگلیسی

- 20- Barry ,Rubin (2012), Understanding the Muslim Brotherhood, *Foreign Policy Research Institute*, Vol3, No2.
- 21- ElRashidi, Yasmine (2013), *Egypt: The Rule of the Brotherhood*, New York Review of book. At <http://www.nybooks.com/articles/archives/2013/feb/07/egypt-rule-brotherhood/>
- 22- Hopwood, derek(1993), *Egypt Politics and Society, 1945-90* pdf ebooks download free. <http://45.32.236.230/ebooks/egypt-1945-1990-politics-derek-hopwood>
- 23- Gerbaudo, Paolo(2103), The roots of the coup, *Social Justice*, Vol. 39, No1. <http://www.lwbooks.co.uk/journals/soundings/pdfs/s54%20gerbaudo.pdf>.
- 24- Houdaiby, Ibrahim(2013), *From Prison to Palace: the Muslim Brotherhood's challenges and responses in post-revolution Egypt* , N°117 February 2013.
- 25-Jeremy, Sharp (2104), *Egypt: Background and U.S. Relations*, Congressional Research Service. January 10 <http://www.fas.org/sfp/crs/mideast/RL33003.pdf>.
- 26- Kumar, Prasanta ,(2013) *Post- Morsi Egypt: Saudi Manoeuvring and Iranian Dilemma*, September 27 Institute for Defence Studies & Analyses (IDSA) http://www.idsa.in/system/files/IB_PostMorsiEgypt_0.pdf.
- 27- Munson, Ziad (2001), ISLAMIC MOBILIZATION: Social Movement Theory and the Egyptian Muslim Brotherhood, *THE SOCIOLOGICAL QUARTERLY*. Vol,3.
- 28- Schafer, Peter (2103). *Egypt AfterMorsi*. http://www.rosalux.de/fileadmin/rls_uploads/pdfs/sonst_publicationen/egypt_ after_mursi.pdf.
- 29- Sasnal. Patrycja, (2103) Strange Coup d'Etat : The Army's Removal of the Egyptian President, , *International Affairs*. No. 74 (527), 5 July, PISM http://www.pism.pl/files/?id_plik=14286.
- 30- Simbar, Reza. (2007). Iran, Democracy and International Community *Journal of International and Area Studies*, Vol.14, no.1 June.

31- Roll, Stephan(2013), *Egypt: The Failure of the Muslim Brotherhood*, was published by SWP on 02 July 2013.

32- William,Shepard (2003), SayyidQutb's Doctrine of, *International Journal of Middle Eastern Studies*, 35.

ج- منابع اینترنتی

۳۳- احمدزاده، داوود(۱۳۹۱)، « مصرجدید و افق‌های آینده منطقه‌ای و بین‌المللی»، سایت تحلیلی جهان اسلام، آخرین دسترسی، (۹۴/۷/۲۴) قابل دسترس در

Available at <http://islamworld2020.persianblog.ir>

۳۴- برزگر، کیهان(۱۳۹۲)، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، فرصتی که مرسی از دست داد، آخرین دسترسی(۱۳۹۴/۴/۱۰)، قابل دسترسی در

Available at :<http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/2108.aspx>

۳۵- دور اندیش، هومان(۱۳۹۲)، دلیل اصلی سقوط مرسی در مصر چه بود، دیپلماسی ایرانی، آخرین دسترسی(۱۳۹۴/۸/۱۳)، قابل دسترسی در

Available at <http://irdiplomacy.ir/fa/page/1918139>.

۳۶- راکبیا، رشید(۱۳۹۲)، چرایی شکست اخوان المسلمین در مصر، خبرگزاری فارس، آخرین دسترسی(۱۳۹۴/۵/۱۹)، قابل دسترس در

Available at <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920523000908>